

اجرای عدالت درباره محیط زیست بین‌المللی: حقوق و راه‌حلها

کنت مک کالیون*

مترجم: محمدحسین زاهدین لباف

از هنگام انعقاد اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ در سال ۱۹۴۸ مواردی که به عنوان نقض حقوق اساسی بشر به رسمیت شناخته شده، توسعه چشم‌گیری پیدا کرده است. سه گروه سنتی جرایم علیه حقوق بشر در حقوق بین‌الملل عرفی - کشتار جمعی، جرایم جنگی و جنایات علیه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مركز مطالعات حقوقی

* مشخصات مأخذ مقاله به شرح زیر است:

Kenneth F. McCallion, "International Environmental Justice: Rights and Remedies", *Hastings International and Comparative Law Review*, Vol. 26, Number 3, Spring 2003, University of California, pp. 427-437.

آقای مک کالیون از اعضای دارلنوکاله مک کالیون و شرکا در نیویورک و استادیار دانشکده حقوق کاردوز است. وی در تعدادی از دعاوی بین‌المللی و محیط زیستی از جمله وکالت شرکت‌های بومیان آلاسکا در دعوی اکسون والدوز و چندین شرکت مدعی در دعوی فاجعه شیمیایی بوبال شرکت داشته است. آقای مک کالیون همچنین وکیل اصلی در دعوی نیروگاه برق هسته‌ای شورهام و دعوای اخیر مربوط به حقوق بشر توسط قربانیان کوره‌های آدام‌سوزی در جنگ دوم جهانی علیه بانکهای فرانسوی بوده است.

1. Universal Declaration of Human Rights, G.A. Res. 217 A. U.N. GAOR, 3rd Sess., at 71, U.N. Doc. A/810 (1984).

بشریت - در روند توسعه خود بعضی دیگر از جرایم نظیر شکنجه، تجاوز جنسی گروهی و بیگاری کودکان را نیز دربر گرفته است.^۲

همچنین رابطه غیرقابل انکار حقوق محیط زیست با حقوق اساسی بشر بیش از گذشته مورد پذیرش واقع شده است. هرچند اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً به حقوق محیط زیست اشاره نمی‌کند معذک امروزه حقوق محیط زیست که با حق حیات به عنوان مهم‌ترین قاعده آمره که در فقد آن اعمال هر حق دیگری غیرممکن است، درهم آمیخته و به تدریج به رسمیت شناخته شده است.^۳ علاوه بر این، آلودگی و تخریب طبیعت و اکوسیستم‌های زمین که نه تنها حق زندگی بسیاری از نوع بشر بلکه زندگی سایر انواع موجودات را تهدید می‌کند، به راحتی قابل انکار نیست. روند رو به افزایش نابودی جنگلهای استوایی، بیابانی شدن سریع قسمتهای بزرگی از قاره افریقا و آسیا، کاهش لایه اوزون، آلودگی آبهای زیرزمینی و دیگر منابع محیط زیستی به کرات و به طور مستند گزارش شده است. حتی با این که جامعه جهانی هرچند با تأخیر، تدابیری برای ممنوعیت استفاده از گاز سی.اف.سی. و نقل و انتقال و فروش مواد شیمیایی خطرناک اتخاذ نموده است، لکن هنوز نحوه جبران خسارات عظیم وارده بر محیط زیست روشن نیست. برای نمونه در لایه بسیار حساس اوزون که زمین را در برابر اشعه‌های ماورای بنفش محافظت می‌کند، شکافی ایجاد شده که ترمیم آن از

۲. برای نمونه نک:

Torture Victims Protection Act of 1991, 28 U.S.C. & 1350 (1994 & Supp. 2003); Foreign Sovereign Immunities Act of 1976, 28 U.S.C. & 1605 (1994 and Supp. 2003).

۳. نک:

Universal Declaration of Human Rights, supra note. 1 art. 3, at 72; International Covenant on Civil and Political Rights, opened for signature Dec. 19, 1996, art. 6(1), 999 U.N.T.S. 172, 175 (hereinafter ICCPR); American Declaration of the Rights and Duties of Man, art. 1, O.A.S. Off. Rec. OEA/Ser. 11.23/ Doc 21, rev.6 (1984) [hereinafter American Declaration].

عهده بشر خارج است. به همین نحو در حالی که استفاده از ماده سمی د.د.ت. در ایالات متحده از دهه ۱۹۷۰ ممنوع گردیده، مقادیر زیادی از این ماده هنوز در چرخه غذایی وجود دارد و صادرات مداوم آن به کشورهای کمتر توسعه یافته موجب تقویت مواد شیمیایی کشنده در چرخه غذایی شده است. این امر بویژه وقتی مصداق می‌یابد که میوه‌ها و دیگر محصولات گیاهی که در معرض د.د.ت. و سایر مواد شیمیایی به وسیله شرکت‌های امریکایی در خارج قرار گرفته، بعداً وارد ایالات متحده شده و در نتیجه یک «چرخه سمی» را ایجاد می‌کند.^۴

بحران جهانی محیط زیست و حقوق محیط زیست

یکی از علل تأخیر حقوقدانان و دادگاهها در به رسمیت شناختن اهمیت حقوق محیط زیست به عنوان یک حق مهم بشری احتمالاً آن است که تخریب شدید محیط زیست از ناحیه منابع انسانی تقریباً جدید است. تا زمان انقلاب صنعتی فقط سیل، زلزله، آتشفشان، قحطی و طاعون تهدیداتی مستمر در سطح ملی محسوب می‌شدند و فعالیتهای بشر در وقوع و آثار این بلایای طبیعی نقش چندانی ایفا نمی‌کرد. در عهد قدیم حضرت نوح برای حفظ موجودات زمین از انقراض در اثر توفان، کشتی ساخت اما در عصر حاضر این عملکرد بشر است که سبب بروز بلایای محیط زیستی گشته است.^۵

۴. نک:

Beth Gammie, Human Rights Implications of the Export of Banned Pesticides, 25 SETON HALL. L. REV. 558, 561 (1994); Mitchell Stachel, A Vicious Circle of Poison: New Question About American Exports of Powerful Pesticides, U.S. NEWS & WORLD REPORT, June 10, 1991, at 31.

۵. در عصر حاضر که گونه‌های بی‌شماری به سبب آلودگی محیط زیست و سایر اعمال بشر منقرض شده‌اند ما برعکس قضیه کشتی نوح شاهدیم که نابودی خیلی از گونه‌ها اجباری بوده است.

هنگام تدوین قانون اساسی ایالات متحده جدال شدیدی درباره موضوعات مهم حقوق بشر که در آن موقع مطرح بود، از جمله آزادی مذهب، آزادی بیان و آزادی اجتماعات، در جریان بود. چون اعتقاد بر آن بود که در زمان استعمار امریکا حقوق بشر به شدت مورد تهدید واقع شده، رعایت این حقوق صریحاً در قانون اساسی و لایحه حقوق امریکا مورد تأکید قرار گرفت. انقلاب صنعتی تازه در اواسط قرن هفدهم روبه پیشرفت گذارد و تصور می‌گردید که هوای پاک و آب تمیز کماکان به طور نامحدود در دسترس خواهد بود. مسلماً اگر در آن زمان آب و هوای بوستون و فیلادلفیا چون امروز شدیداً آلوده بود، شاید این مسأله هم مورد توجه واضعان قانون اساسی قرار می‌گرفت. به هر حال، امریکایی‌ها تا زمان تألیف کتاب تکان‌دهنده «بهار خاموش» به وسیله راشل کارسون در سال ۱۹۶۲ از خطرات موجود برای محیط زیست بی‌اطلاع بودند.

با افزایش بحران محیط زیست در قرون نوزده و بیست نویسنده‌گان قوانین اساسی در اطراف و اکناف جهان، تقریباً در قانون اساسی شصت کشور، ضوابط مختلفی را برای حفاظت محیط زیست یا سایر حقوق مربوط به محیط زیست در نظر گرفته‌اند.^۶ ظرف چند دهه گذشته حدود یک هزار قرارداد دو جانبه و سیصد و پنجاه قرارداد چندجانبه با هدف حمایت از محیط زیست توسط کشورهای مختلف منعقد گشته است.^۷ در واقع نمایندگان بیش از یکصد کشور حاضر در کنفرانس جهانی حقوق بشر در

۶. برای نمونه نک:

Fatma Zohra Ksentini, Review of Further Development in Fields with which the Sub-Commission Has Been Concerned: Human Rights and the Environment, U.N. ESCOR Commission on Human Rights, Sub-Commission on Prevention of Discrimination and Protection of Minorities, 46th Sess., at 81-89, U.N. Doc. E/CN.4/Sub.2/1994/9 (1994), revised by U.N. Doc. E/CN.4 / Sub. 2/1994/9/Corr.1 (1994).

۷. همان مأخذ، صفحه ۸.

وین در سال ۱۹۹۳ اعلام کردند که دفن غیرقانونی مواد سمی حق حیات را با تهدیدات جدی مواجه می‌سازد.^۸ افزون بر این، آرای صادره از محاکم قضایی بین‌المللی در چند مورد بر وظیفه عدم تخریب محیط زیست که متضمن خطرات جانی و بهداشتی است، به عنوان یک قاعده شناخته شده حقوق بین‌الملل عرفی صحنه می‌گذارند.^۹ مهمترین رأی قضایی در محدوده حقوق بین‌المللی محیط زیست حکم داوری «تریل اسملتر» بود که اصل مسؤلیت بین‌المللی ناشی از فعالیتهای فرامرزی زیانبار برای محیط زیست را به رسمیت می‌شناسد.^{۱۰} متعاقباً کمیسیون حقوق بشر قاره امریکا رأی داد که ساخت بزرگراه در میان جنگلهای آمازون توسط دولت برزیل به حق حیات و سلامت بومیان یانومامی* - که فاقد مصونیت لازم در مقابل بسیاری از امراض وارداتی به محیط زیست خود هستند - و همچنین به وسایل امرار معاش آنها لطمات جبران‌ناپذیری وارد می‌کند.^{۱۱} کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز دفن مقادیر زیاد زباله‌های اتمی را که زندگی ساکنین مناطق مجاور را تهدید می‌کند «اقدامی فجیع» توصیف نموده و آن را نقض حق حیات مقرر در ماده (۱) ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

8. Vienna Declaration and Program of Action: Report of the World Conference on Human Rights, at 20, 24, U.N. Doc A/Conf. 157/24 (Part I) (1993) [hereinafter Vienna Declaration].

۹. همچنین این نکته را در مقاله‌ای دیگر مطرح نموده رک:

Kenneth F. McCallion and H. Rajan Sharma, The Need for an International court of the Environment to Protect Fundamental Environmental Rights, 32 GEO. WASH.J.INT'L L. & ECON. 351, 356-57 (2000).

۱۰. Trail Smelter Case (U.S. v. Can), 3 R.I.A.A. 1905 (1938). دعوی بعدی این حکم را تأیید کرده و به توضیح آن پرداخته‌اند.

*. Yanomami.

۱۱. برای نمونه نک:

Case 7615, Inter-Am. C.H.R., OEA/ser. L/V/II. 66, doc. 10 rev. 1 (1985).

سیاسی تلقی کرده است.^{۱۲} مضافاً کمیته مذکور در موردی دیگر اظهارنظر نموده که حق حاکمیت برای اجرای توسعه اقتصادی^{۱۳} الزاماً با تعهدات بین‌المللی دولت در مورد حقوق بشر محدود می‌گردد.^{۱۴}

علاوه بر این، اهمیت رویه قضایی و آرای علمای حقوق در این باره به رغم اختلاف نظر در مورد سایر قواعد بین‌المللی ناظر بر محیط زیست، حاکی از آن است که وظیفه جلوگیری از تخریب شدید محیط زیست بویژه در خارج از مرزهای ملی از اعتبار حقوق بین‌الملل عرفی برخوردار شده است.^{۱۵} کمیسیون حقوق بین‌الملل بی‌هیچ درنگی در سال ۱۹۷۶ چنین احراز کرد که «تخلف جدی از تعهد مهم بین‌المللی برای حفظ و حراست از محیط زیست انسان» به معنای «نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل عرفی» است.^{۱۶}

قواعد مشخص، الزام‌آور و جهانی حقوق بین‌الملل عرفی مانع اقداماتی است که احیاناً سبب تخریب وسیع، شدید و طولانی محیط زیست

12. E.H.P. v. Canada. Communication No. 67/1980, 2 Selected Decisions of the Human Rights Committee under the Optional Protocol 20, U.N. Doc. CCPR/C/OP/2 (1990).

13. Vienna Declaration, supra note 8.

۱۴. رک.

Ilmari Lansman v. Finland, Communication No.511/1992, U.N. Human Rights Committee, at Para.9.4, U.N. Doc. CCPR/C/52/D/511/1992 (1992).

کمیته اظهار داشت که ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی فعالیتهای اقتصادی ضروری را در مقابل اثرات شدید ناشی از تخریب محیط زیست محافظت کرده و این که حمایت از محیط زیست منحصر به ابزار و وسایل سنتی مربوط به حیات نیست.

15. برای نمونه نگاه کنید به: *Gabcikovo-Nagymaros Project (Hung. v. Slov.)* 1997 I.C.J.7, at para. 53 (Sept.25) (1996). I.C.J. 226, 241- (242) اعلام کرد که «در حال حاضر وظیفه کلی دولتها در حصول اطمینان از احترام آمیز بودن اعمال و رفتار افراد تحت قلمروشان نسبت به محیط زیست دولتهای دیگر جزئی از حقوق بین‌الملل است».

16. Report of International Law Commission on the Work of its Twenty Eighth Session, Draft Articles on State Responsibility, art.19, U.N. GAOR, 31 st Sess., Supp. No.10, at 175, U.N. Doc. A/31/10 (1976); see also Report of the International Law Commission on the Work of its Forty-Eighth Session, U.N. GAOR, 51st Sess, Supp. No.10, at 169, U.N. Doc. A/51/10 (1996).

و در نتیجه لطمه به سلامت و حیات مردم می‌شود یا آنها را از زندگی محروم می‌سازد.^{۱۷} به همین منوال با توجه به اهمیت طبیعت برای زندگی^{۱۸} و با در نظر گرفتن حق حیات به عنوان مهمترین قاعده آمره که در فقد آن اعمال حقوق دیگر متصور نیست،^{۱۹} اجتناب از تخریب محیط زیست که منجر به تهدید حق حیات گردد، یک هنجار اساسی در حقوق بین‌الملل عرفی محسوب می‌شود. این ممنوعیت متکی است بر حق حیات، امنیت و سلامت انسان، حقوق محیط زیست و حقوق بین‌المللی بشردوستانه و رویه روشن دولتها در تصویب قوانین داخلی. ممنوعیت مذکور هم در داخل و هم خارج از مرزهای ملی اعمال می‌گردد.

عملکرد دولتها، قراردادهای دوجانبه و چندجانبه و تصمیمات متخذه توسط دیوانهای بین‌المللی جملگی در جهت اجرا نمودن نتیجه‌گیری فوق است. در واقع مقنع‌ترین دلیل بر وجود این قاعده حقوق بین‌الملل عرفی تعداد قابل توجهی از اسناد چند جانبه است که انواع گوناگون تخریب محیط زیست را تخلف شناخته یا دولتها را به اتخاذ تدابیر عملی برای حفظ محیط زیست در موارد خاص ملزم می‌سازد.^{۲۰} برای مثال ماده ۱۲ عهدنامه

17. ICCPR, supra note 3, art.1.

18. Stockholm Declaration of United Nations Conference on the Human Environment, para. 1, G.A. Res. 2997, U.N. GAOR, 27th Sess., U.N. Doc. A/Conf.48/14/Rev/1, reprinted in 11 I.L.M. 1416 (1972).

۱۹. برای نمونه نک:

Universal Declaration of Human Rights, supra note 1, art.3; ICCPR, art. 6(1), supra note 3; American Declaration. supra note 3; American Convention on Human Rights Nov.22, 1969, art. 4(1), 1144 U.N.T.S. 123 (entered into force July 18, 1978); African Charter on Human and Peoples' Rights, art. 4, June 27, 1981, 1520 U.N.T.S. 218, 247.

۲۰. برای نمونه نک:

International Convention on civil Liability for Oil Pollution Damage, Nov. 29, 1969, art. III, 26 U.S.T. 765, 767-770, 973 U.N.T.S. 4,5 (entered into force June 19, 1975, and ratified by 92 states)

(عهدنامه مقرر می‌دارد که «مالک کشتی در قبال خسارات ناشی از آلودگی نفتی مسؤول است»)

بازل در مورد «کنترل عبور و مرور مرزی و مصرف مواد خطرناک» از اعضا می‌خواهد که پروتکلی درباره قوانین ماهوی و شکلی ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از عبور و مرور مرزی مواد خطرناک تهیه و تنظیم نمایند.^{۲۱} نمونه دیگر پیش‌نویس عهدنامه بین‌المللی درخصوص مسئولیت و جبران خسارت ناشی از حمل و نقل دریایی مواد خطرناک و زیان‌آور است که ماده (۶) آن مجازات سنگینی را در مورد صدمه به محیط زیست مقرر می‌کند.^{۲۲}

فقدان مکانیسم‌های اجرایی بین‌المللی برای حفاظت محیط زیست

عهدنامه‌ها و بیانیه‌های مربوط به حمایت از محیط زیست که قواعد عرفی و معیارهای ناظر بر مسئولیت و غرامت ناشی از تخریب محیط

International Convention Relating to Intervention on the High Seas in Cases of Oil Pollution Casualties, Nov. 29, 1969, art. I, V (3)(a), 26 U.S.T. 765, 970 U.N.T.S. 211, 212, 214 (entered into force May 6, 1975); Convention on the Prevention of the Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, Dec. 29, 1972, art. 1, 26 U.S.T. 2403, 1046 U.N.T.S. 120, 140 (entered into force Aug. 30, 1975); Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment, June 21, 1993, art. 6, 7, Europ. T.S. No. 150

(این عهدنامه‌ها با گنجاندن اصل «تمهید مرتکب آلودگی به پرداخت» اعلام می‌دارند که وسیله آلوده‌کننده یا مواد زائد بابت خسارات مسؤولند)؛

Bamako Convention on the Ban of Import into Africa and the Control of Transboundary Movement and Management of Hazardous Wastes within Africa, June 29, 1991, art. 4(3)(b), 30 I.L.M. 773, 781 (signed by 22 nations of the Organization of Africa Unity).

(این عهدنامه بر مسؤولیت شدید تولیدکنندگان مواد زائد خطرناک در کشورهای عضو تأکید می‌کند).

21. Basal Convention on the Control of Transboundary Movements of Hazardous Wastes and Their Disposal, opened for signature Mar. 23, 1989, art. 12, 1673 U.N.T.S. 126, 139 (entered into force May 5, 1992) [hereinafter Basal Convention].

22. International Convention on Liability and Compensation for Damage in Connection with the Carriage of Hazardous and Noxious Substances by Sea, opened for signature Oct. 1, 1996, 35 I.L.M. 1406.

زیست را تدوین می‌کنند،^{۲۳} بیانگر آن است که وظیفه عدم تخریب محیط زیست تا حدی که بر حقوق بین‌المللی بشر نظیر حق حیات، سلامت و امنیت تأثیر می‌گذارد، مورد پذیرش عامه واقع شده است. معهدا حقوق بین‌الملل فاقد ابزار کافی برای جبران اعمال زیان‌آور برای محیط زیست می‌باشد. زیرا نتیجه‌بخش بودن قواعد محیط زیست به لحاظ ماهیت جهانی آنها مستلزم همکاری بین‌المللی است، در حالی که آلوده‌کنندگان و ناقضان محیط زیست به علت ناهماهنگی موجود بین دولتها یا نهادهای منطقه‌ای اغلب موفق می‌شوند که تلاش آنها را برای اجرای قوانین محیط زیستی با مشکل مواجه سازند.

به استثنای تعداد انگشت‌شماری از عهدنامه‌های چندجانبه که نهادهایی برای نظارت بر تخلفات زیست محیطی تعیین نموده‌اند،^{۲۴} هیچ

۲۳. نک:

Rio Declaration on Environment and Development, U.N. GAOR, 4th Sess, U.N. Doc. A/CONF.151/PC/WG.III/L.33/rev.1 (1992)

«انسانها سزاوار زندگی بهداشتی و مفید در هماهنگی با طبیعت می‌باشند».

Additional Protocol to the American Convention on Human Rights in the Area of Economic, Social and Cultural Rights, opened for signature Nov. 17, 1988, art. 11(1), 28 I.L.M. 156, 165 (1989)

«هرکس باید از حق زندگی در محیط زیست سالم برخوردار باشد».

Hague Declaration on the Environment, Mar. 11, 1989, 28 I.L.M. 1308, 1309 (Twenty-four signatories recognized "the right to live in dignity in a viable global environment"); G.A. Res. 45/94, U.N. GAOR, Sess., at 2, U.N. Doc. A/Res/45/94 (1991).

«همه افراد حق دارند که در محیطی سالم و مرفه زندگی نمایند».

۲۴. نک:

Montreal Protocol on Substances that Deplete the Ozone Layer, Sept. 16, 1987, 1522 U.N.T.S. 451, reprinted in 26 I.L.M. 1541; United Nations Framework Convention on Climate Change, May 9, 1992, reprinted in 31 I.L.M. 849 (entered into force March 21, 1994); Convention on Long-Range Transboundary Air Pollution, Nov. 13, 1979, 34 U.S.T. 3043, 1302 U.N.T.S. 217, (entered into force March 16, 1983); Basal Convention, supra note 21; Convention on the Prevention of Marine Pollution by Dumping of Wastes and Other Matter, supra note 20.

محکمه قضایی با صلاحیت اجباری یا با حق نظارت یا مجوز اجرای قواعد روبرو تحول حقوق بین‌المللی محیط زیست تشکیل نشده است. به همین منوال، هرچند دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه برای رسیدگی به اختلافات محیط زیستی صلاحیت دارد، اما در عمل ظرف چهل سال گذشته هیچ دعوی را در این زمینه، مورد حکم قرار نداده است، ضمن این که صلاحیت آن محدود به دعاوی دولتها است و افراد، شرکتهای یا دیگر سازمانهای غیردولتی اهلیت طرح دعوی نزد دیوان مذکور را ندارند.^{۲۵} در سالهای اخیر دیوان در پرونده گبسیکو - نگیماروس بین مجارستان و اسلواکی راجع به خسارات زیست محیطی ناشی از انحراف رودخانه دانوب، ترجیح داد که به جنبه محیط زیستی دعوی پردازد و قضیه را براساس نقض عهدنامه ۱۹۷۷ بین دو کشور حل و فصل کرد.^{۲۶}

در بخش مربوط به حقوق کیفری بین‌المللی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی (ICC) که صلاحیت آن به جرایم مهم بین‌المللی محدود است، درباره رسیدگی به دعاوی محیط زیستی ساکت است.^{۲۷} اعمال صلاحیت بر جرایم محیط زیستی مستلزم اصلاح اساسنامه دادگاه است. خارج ماندن جرایم محیط زیستی از صلاحیت این دادگاه سؤال برانگیز است بویژه با در نظر گرفتن این واقعیت که پیش‌نویس کمیسیون حقوق بین‌الملل در باب مسؤولیت بین‌المللی دولت در ماده (د) ۱۹ مقرر می‌دارد که «نقض جدی

۲۵. نک:

Statute of the International Court of Justice, art. 34(1), 1947 ICJ Acts & Docs. 37, 44.

(«فقط دولتها می‌توانند نزد دیوان طرف دعوی قرار گیرند»).

26. Gabcikovo-Nagymaros Project (Hung. v. Slov.), supra note 15.

27. Rome Statute of the International Criminal Court, U.N. Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, art. 22, U.N. Doc. A/Conf. 183/9, at 21 (1998).

(«طبق اساسنامه هیچکس از نظر کیفری مسؤول نیست مگر آن که عمل مورد بحث در هنگام وقوع جرم در صلاحیت دادگاه محسوب گردد»).

تعهد بین‌المللی که برای حفظ و حراست از محیط زیست بشر واجد اهمیت حیاتی است» جرم بین‌المللی تلقی می‌گردد.^{۲۸}

اقدامات ملی و منطقه‌ای برای حفاظت از محیط زیست

تلاش‌های صورت گرفته برای حفظ محیط زیست بیشتر در اروپا و ایالات متحده متمرکز بوده است. دیوان عدالت اروپایی (ICJ) دادگاه حقوق بشر اروپایی و شورای اروپا قواعدی خاص محیط زیست که در مراجع محلی و منطقه‌ای قابل استناد است، وضع نموده و به مرحله اجرا گذارده‌اند. برای مثال، دیوان عدالت اروپایی در مواردی توسل به افراد و سازمانهای غیردولتی را برای اجرای آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اتحادیه اروپا راجع به محیط زیست تجویز نموده است.^{۲۹} دادگاه حقوق بشر اروپایی در تصمیم بدیع خود در پرونده لویز - استرا در سال ۱۹۹۴ با تمسک به قواعد سنتی حقوق بشر، حمایت از محیط زیست را توسعه داد، هر چند در مجموع از تسری این رویه قضایی به پرونده‌های بعدی خودداری نموده است.^{۳۰}

شورای اروپا نیز کوشش نموده که استانداردهای حمایت از حقوق محیط زیست در اروپا و در سطح بین‌المللی را هماهنگ نموده و با تدوین

28. Report of the International Law Commission on the Work of its Thirty-Second Session, U.N. GAOR, 35th Sess., Supp. No.10, at 1, U.N. Doc. A/35/10 (1980), Reprinted in [1980] 2 Y.B. Int'l L. Comm'n 5, U.N. Doc. A/CN.4/SER.A/1980/Add.1 (Part 2).

۲۹. نک:

Malgosia Fitzmaurice, The Right of the Child to A Clean Environment, 23 S. ILL. U.L.J. 611, 639-40 (1999).

30. Lopez-Ostra v. Spain, App. No.16798/90, 20 Eur. H.R. Rep. 277 (1994); see also Balmer Schafroth and Others v. Switzerland, 1997 Y.B. Eur. Conv. on H.R. 316 (Eur. Ct. H.R.)

در این پرونده ادعای شکایتی که در ۵ کیلومتری نیروگاه برق اتمی فاقد استانداردهای ایمنی اروپایی زندگی می‌کردند، مبنی بر نقض مواد ۶ و ۱۳ عهدنامه اروپایی حقوق بشر پذیرفته نشد.

معاهداتی چندجانبه دولتهای عضو را ملزم سازد تا قوانین داخلی خود را با استانداردهای مذکور مطابقت دهند. علاوه بر معاهده ناظر بر مسئولیت مدنی خسارات ناشی از فعالیتهای خطرناک برای محیط زیست،^{۳۱} شورا در ۴ نوامبر ۱۹۹۸ معاهده دیگری به نام معاهده حمایت از محیط زیست به وسیله قوانین کیفری را برای امضای اعضا آماده کرد. این معاهده دولتهای عضو را موظف می‌کند تا با وضع قوانین داخلی انواع خاصی از آلودگی و تخریب محیط زیست را قطع نظر از عمدی یا غیرعمد بودن آنها جرم محسوب نمایند.^{۳۲}

در ایالات متحده، قانون دعاوی شبه جرم بیگانگان^{۳۳} تا حدودی امکان تعقیب نقض مقررات محیط زیستی در دادگاههای فدرال را فراهم ساخته است. همانطور که شعبه دوم دادگاه استیناف در پرونده کادیک علیه کارازیک^{۳۴} یادآوری کرده حقوق بین‌الملل نیز به دولتها اجازه می‌دهد که راهکارهای حقوقی مناسب مانند امکان اقامه دعاوی شبه جرم به نحوی که در «قانون شبه جرم خارجی»^{۳۵} مقرر شده، پیش‌بینی نمایند. قانون دعاوی شبه جرم خارجی «دارای محدوده وسیعی» است.^{۳۶} تخلف از اصول و قواعد جهانی، الزام‌آور و تعریف شده حقوق بین‌الملل عرفی، در محاکم

31. Convention on Civil Liability for Damage Resulting from Activities Dangerous to the Environment, June 21, 1993, Europ. T.S. No.150.

32. Convention on the Protection of the Environment Through Criminal Law, Nov. 4, 1998, Europ. T.S. No. 172.

33. 28 U.S.C. § 1350 (1994).

34. 70 F.3d 232, 240 (2d Cir. 1995), reh'g denied, 74 F.3d 377 (2d Cir. 1996).

۳۵. نک همچنین به:

Iwanowa v. Ford Motor Co., 67 F. Supp. 2d, 424, 441-443 (D.N.J. 1999).

36. *Kadic*, 74 F. 3d at 388. See also, Beth Stephens, *Conceptualizing violence Under International Law: Do Tort Remedies Fit the Crime?* 50 ALB. L. REV. 579 (1997).

مذکور^{۳۷} قابل تعقیب قضایی می‌باشند، و محاکم ایالات متحده با مراجعه به رویه دولتها براساس معاهدات، تصمیمات قضایی، اعلامیه‌های سازمان ملل و آرای علمای حقوق محتوی و ماهیت حقوق بین‌المللی عرفی را در این زمینه‌ها مشخص می‌کنند.^{۳۸}

در محاکم ایالات متحده شاکیان با استناد به قانون دعاوی شبه جرم خارجیان، دعوایی درباره جرایم علیه بشریت، کشتار جمعی،^{۳۹} رفتار خشن و توهین‌آمیز، تبعیض نژادی و نقض حقوق محیط زیست بشر و حق حیات و امنیت شخصی اقامه کرده‌اند. اکنون بیش از دویست سال است که برخی تخلفات بین‌المللی به استناد قانون دعاوی شبه جرم خارجیان در محاکم قضایی قابل طرح بوده بدون این که لازم باشد ارتکاب عملی توسط دولت اثبات شود.^{۴۰} برای نمونه، تخلفات از حقوق کیفری بین‌المللی نظیر جرایم علیه بشریت که حسب اظهار شاکیان در دعاوی محیط زیستی، بر گروه‌های بومی و سایر افراد مؤثر واقع می‌شود، بالضروره نباید به طرفیت دولت باشد بلکه علیه شرکتهای نیز می‌تواند اقامه گردد.^{۴۱} معهدا قانون دعاوی شبه جرم خارجیان بی‌حد و حصر نیست و بعضی قواعد حقوقی همچون اصل مرجع قضایی نامساعد یا دکترین عمل دولت در تعداد زیادی از دعاوی مبتنی بر قانون مذکور که در امریکا مطرح گردیده، مورد استناد واقع شده تا قضات فدرال متوجه و مراقب باشند که تمام نیرو و منابع

37. *Xuncax v. Gramajo*, 886 F. Supp. 162, 179, 184 (D.Mass. 1995).

38. *Paquete Habana*, 175 U.S. 677, 700 (1900); *Filartiga v. Pena-Irala*, 630 F.2d 876, 882-84 (2d Cir. 1980).

۳۹. نک:

Bodner v. Banque Paribas, 114 F. Supp. 2d 117 (E.D.N.Y. 2000).

40. *Kadic*, 70 F. 3d at 239-40; see also *Iwanowa*, 67 F. Supp. 2d at 443-445 (distinguishing cases on which the UCC relies).

۴۱. نک:

Doe v. Unocal, 963 F. Supp. 880, 891-92 (C.D. Cal. 1997).

دادگاههای امریکا نباید برای تعقیب و مجازات کلیه جرایم بین‌المللی محیط زیست مصرف شود.

دادگاه بین‌المللی محیط زیست

علیرغم تلاشهای مختلف در سطح ملی و منطقه‌ای برای اجرای اصول و قواعد ناظر بر حمایت از محیط زیست، تردیدی وجود ندارد که تخریب‌کنندگان محیط زیست آزادانه و بدون احساس خطر از تعقیب مؤثر قضایی، در اکثر نقاط جهان به فعالیت مشغول بوده و فقدان ساز و کارهای بین‌المللی برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تخلفات محیط زیستی به نحو بارزی مشهود است. در حوزه حقوق کیفری بین‌المللی، اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی^{۴۲} که صلاحیت دادگاه را نسبت به جرایم مهم بین‌المللی تعیین نموده، صراحتاً متعرض جرائم محیط زیستی نشده است.

از این رو، تشکیل یک دادگاه بین‌المللی برای رسیدگی به تخلفات محیط زیستی، خلأ موجود در حمایت از محیط زیست جهانی را برطرف نموده و به ایجاد وحدت و تمرکز اطلاعات حقوقی درباره محیط زیست جهانی کمک شایانی خواهد کرد. دادگاه بین‌المللی محیط زیست نظیر دادگاه کیفری بین‌المللی می‌تواند تحت نظارت سازمان ملل متحد یا به طور مستقل تشکیل شود. پیشنهاد می‌شود که دادگاه دارای پانزده قاضی مستقل باشد که توسط دولتهای عضو انتخاب گردند. دادگاه باید صلاحیت داشته باشد که به دعاوی بین اشخاص عمومی و خصوصی (درباره خسارات محیط زیستی «در حدی که بر منافع کلی جامعه بین‌المللی اثر گذارد») «چنانچه دعوی با توصیه مدعی‌العموم مورد پذیرش رئیس دادگاه قرار گیرد»

42. Rome Statute of the International Criminal Court, U.N. Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, art. 22, U.N. Doc. A/Conf. 183/9 (1998).

رسیدگی کند، همچنین دادگاه می‌تواند رأساً مدعی‌العموم را موظف کند که به مشکلات محیط زیست بین‌المللی رسیدگی نموده و اقدام مقتضی مبذول نماید. دولتها، افراد، نهادهای منطقه‌ای، شرکتهای و سازمانهای غیردولتی برای طرح دعوی نزد مدعی‌العموم اهلیت خواهند داشت.

نتیجه

مسأله تخریب گسترده یا بین‌المللی محیط زیست به تدریج به عنوان یک تخلف از حقوق بین‌الملل عرفی به رسمیت شناخته شده است. اکنون در تعدادی از عهدنامه‌های دوجانبه و چندجانبه مکانیسم‌هایی برای اجرای اصول و قواعد بین‌المللی پیش‌بینی شده و محاکم اروپا و امریکا برای جبران خسارات ناشی از فجایع محیط زیستی مؤثر بر حقوق اساسی بشر پا به عرصه گذارده‌اند. با این همه، فقدان یک مرجع بین‌المللی برای برخورد مطلوب با جرایم محیط زیستی کاملاً مشهود است. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) با توجه به محدود بودن صلاحیت آن به دولتهای عضو، کارآیی خوبی نداشته است. ایجاد یک دادگاه بین‌المللی، مسلماً انگیزه حمایت از محیط زیست بین‌المللی را تحکیم بخشیده و دسترسی به مکانیسم‌های کارآمد قضایی را در سطح جهانی افزایش خواهد داد.



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی